آبان ۱۳۹۸؛ خیزش علیه فقر، استبداد و تبعیض
برای
نان، آزادی، برابری و حق تعیین سرنوشت

باقر ابراهیم زاده

پیش از هر کلامی ، یاد همه ی جان‌باختگان خیزش آبان ماه را گرامی میداریم ودر ادای احترام به مقاومت وایستادگی خانواده های گرامی آنان ، بعنوان عضوی از خانواده های خاوران ، بر ضرروت دادخواهی وهمراهی همه خانواده های جان باختگان دهه های کشتار در دو استبداد شاه و شیخ پای میفشارم. بر این باورم که بدون همبستگی و همراهی همه ستمدیده گان، کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان ، نمیتوان به دادخواهی راستین دست یافت و به چرخه استبداد و استثمار وستم سیاسی و طبقاتی پایان داد.

اما از نگاه من ، خیزش آبان چه بود و چرا در تاریخ مبارزه اجتماعی و آزادیخواهانه مردم ایران ،جایگاهی ویژه پیدا کرده است؟

زمینه‌های مادی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خیزش آبان

خیزش انقلابی آبان ۱۳۹۸ را نمی‌توان صرفاً واکنشی به افزایش قیمت بنزین یا یک تصمیم اقتصادی دولت دانست. این خیزش حاصل انباشت چندین دهه بحران اقتصادی، فقر، بیکاری، نابرابری طبقاتی، فساد ساختاری، غارت ثروت عمومی، تبعیض و سرکوب سیاسی و اجتماعی بود. آبان ۱۳۹۸ از دل جامعه‌ای برخاست که در آن اکثریت مردم، به‌ویژه کارگران، زحمتکشان، مزدبگیران، بیکاران و تهی‌دستان، زیر فشار مناسبات نابرابر اقتصادی سیاسی قرار داشتند و از ابتدایی‌ترین حقوق اجتماعی و سیاسی خود محروم بودند.

برای شناخت ماهیت این خیزش باید به شرایط مادی زندگی مردم و مناسبات قدرت و مالکیت در جامعه ایران توجه کرد. اقتصاد رانتی، تمرکز ثروت در دست اقلیتی برخوردار از قدرت، خصوصی‌سازی‌های رانتی، گسترش قراردادهای موقت و پیمانی، دستمزدهای پایین، ناامنی شغلی، تورم و کاهش مستمر قدرت خرید، زندگی میلیون‌ها انسان را با دشواری و ناامنی روبه‌رو کرده بود.

کارگران برای دریافت دستمزدهای معوقه و برخورداری از امنیت شغلی مبارزه می‌کردند؛ معلمان خواهان دستمزد عادلانه، آموزش رایگان و بهبود شرایط آموزشی بودند؛ بازنشستگان برای برخورداری از زندگی شایسته و تأمین اجتماعی اعتراض می‌کردند؛ کشاورزان با بحران آب و نابودی معیشت خود روبه‌رو بودند و حاشیه‌نشینان شهرها در شرایطی از محرومیت و فقدان امکانات اولیه زندگی می‌کردند.

در کنار این بحران اقتصادی، فضای سیاسی و اجتماعی کشور نیز تحت سلطه دستگاه گسترده امنیتی و قضایی قرار داشت. آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی تشکل، حق اعتصاب، آزادی تجمع و فعالیت مستقل سیاسی و اجتماعی با محدودیت و سرکوب مواجه بود. فعالان کارگری، معلمان، دانشجویان، زنان، روزنامه‌نگاران، مدافعان حقوق بشر و کنشگران محیط زیست با بازداشت، احضار، تهدید، اخراج و پرونده‌سازی امنیتی روبه‌رو می‌شدند. زنان همچنان با تبعیض ساختاری، نابرابری حقوقی، محدودیت‌های اجتماعی و اجبارهای حکومتی مواجه بودند. ملیت‌های تحت ستم، از جمله مردم کرد، بلوچ، عرب و ترکمن، علاوه بر تبعیض‌های اقتصادی و اجتماعی، با محرومیت‌های منطقه‌ای و محدودیت در برخورداری از حقوق فرهنگی، زبانی و سیاسی روبه‌رو بودند.

در چنین شرایطی، فقر تنها یک مسئله اقتصادی نبود؛ بلکه با فقدان آزادی، نابرابری حقوقی، سرکوب سیاسی و محرومیت اجتماعی درهم‌تنیده شده بود.

مقاومت اجتماعی پیش از آبان

پیش از خیزش آبان ۱۳۹۸، جامعه ایران شاهد موجهای گسترده ای از اعتراضات و مقاومت‌های اجتماعی بود. این اعتراضات نشان می‌دادند که نارضایتی از مناسبات اقتصادی و سیاسی حاکم در بخش‌های مختلف جامعه ریشه دوانده است.

مبارزات کارگران و زحمتکشان: کارگران هفت‌تپه، فولاد اهواز، کارگران پیمانی و قراردادی، رانندگان کامیون، کارگران شهرداری‌ها و دیگر بخش‌های تولیدی و خدماتی برای پرداخت دستمزدهای معوقه، امنیت شغلی، حق تشکل مستقل و مقابله با خصوصی‌سازی‌های رانتی مبارزه می‌کردند. اعتراضات کارگران هفت‌تپه و شعارهای مربوط به اداره شورایی و حق تعیین سرنوشت کارگران، نمونه‌هایی از گسترش مطالبات فراتر از مسائل صرفاً مزدی بود.

مبارزات زنان: زنان در برابر حجاب اجباری، تبعیض قانونی، خشونت جنسیتی و محدودیت‌های اجتماعی مقاومت می‌کردند. اعتراضات زنان و فعالیت‌های مستقل آنان نشان می‌داد که مسئله آزادی زن، بخشی جدایی‌ناپذیر از مبارزه علیه مناسبات اقتدارگرایانه و تبعیض‌آمیز است.

مبارزات دانشجویان و جوانان: دانشجویان و جوانان علیه کالایی شدن آموزش، خصوصی‌سازی دانشگاها، محدودیت‌های سیاسی و فقدان آزادی‌های اجتماعی اعتراض می‌کردند. جوانانی که با بیکاری، آینده نامعلوم و محرومیت از فرصت‌های برابر مواجه بودند، در اعتراضات اجتماعی و سیاسی حضور داشتند.

مبارزات معلمان: معلمان در شهرهای مختلف برای افزایش دستمزد، امنیت شغلی، آموزش رایگان، عدالت آموزشی و آزادی معلمان زندانی تجمع و اعتصاب می‌کردند. تشکل‌یابی مستقل و همبستگی میان معلمان، بخشی از تجربه مهم مبارزات اجتماعی پیش از آبان بود.

مبارزات بازنشستگان: بازنشستگان در برابر کاهش قدرت خرید، مستمری‌های ناکافی، تبعیض در پرداختها و نابسامانی صندوق‌های بازنشستگی به میدان آمدند. مطالبات بازنشستگان تنها در محدوده بهبود شرایط اقتصادی و معیشتی شان نبود؛ بلکه دفاع از کرامت انسانی و حق برخورداری از زندگی شایسته در دوران بازنشستگی را نیز دربرمی‌گرفت.

مبارزات ملیت‌های تحت ستم: مردم کردستان، بلوچستان، خوزستان و دیگر مناطق محروم در برابر تبعیض، فقر منطقه‌ای، بیکاری، محرومیت از امکانات عمومی و محدودیت‌های فرهنگی و سیاسی مقاومت می‌کردند. حق برخورداری از آموزش به زبان و فرهنگ مادری، مشارکت برابر در سرنوشت سیاسی و رفع تبعیض ملی از مطالبات مهم این مبارزات بود.

اعتراضات کشاورزان و مردم مناطق محروم: بحران آب، تخریب محیط زیست، نابودی منابع طبیعی و سیاست‌های نادرست مدیریت منابع، زندگی کشاورزان و ساکنان مناطق مختلف را تهدید می‌کرد. اعتراضات مربوط به آب و محیط زیست نیز بخشی از مقاومت اجتماعی علیه سیاست‌های نابرابر اقتصادی و مدیریتی بود.این مبارزات، اگرچه از نظر مطالبات، سازمان‌یابی و شیوه‌های اعتراضی یکسان نبودند، در یک واقعیت مشترک ریشه داشتند: محرومیت از حقوق اساسی و نارضایتی از ساختارهای سیاسی و اقتصادی حاکم، به همین خاطر باید گفت که که مبارزات و اعتراضات ویش از آبان تصویری ماندگار از جامعه‌ای بود که نمی خواست تسلیم شود ودر دل خودش خیزش بزرگ آبان را آفرید.

از دی ۱۳۹۶ تا آبان ۱۳۹۸؛ گسترش اعتراض علیه کلیت نظام.

خیزش دی‌ماه ۱۳۹۶ یکی از حلقه‌های مهم این روند مبارزاتی بود. اعتراضات با مطالبات اقتصادی و معیشتی آغاز شد، اما به سرعت ابعاد سیاسی گسترده‌تری پیدا کرد. حضور مردم در شهرهای مختلف و طرح شعارهای ساختارشکنانه نشان داد که نارضایتی از محدودیت‌های اصلاحات درون ساختار حاکم فراتر رفته است و مردم از همه ی جناحهای حاکم قطع امید کرده اند و سر نظام را نشانه گرفته اند.

آبان ۱۳۹۸ در ادامه همین روند تاریخی ،اما با ویژگی‌ها و شرایط اجتماعی خاص خود، شکل گرفت.

در ۲۴ آبان ۱۳۹۸، اعلام ناگهانی افزایش قیمت بنزین و سهمیه‌بندی آن، جرقه اعتراضات را زد. قیمت بنزین سهمیه‌ای ۵۰ درصد افزایش یافت و قیمت بنزین آزاد به سه برابر نرخ پیشین رسید. این تصمیم در شرایطی اتخاذ شد که اکثریت مردم با تورم، کاهش قدرت خرید و دشواری تأمین هزینه‌های زندگی دست‌وپنجه نرم می‌کردند.
اعتراضات از مناطق کارگری و محلات فقیرنشین آغاز شد و در مدت کوتاهی به ۲۹ استان و صدها شهر گسترش یافت.
اما آنچه آبان را به یک خیزش سیاسی و اجتماعی تبدیل کرد، عبور اعتراضات از موضوع افزایش قیمت بنزین و طرح مطالباتی علیه ساختار قدرت بود. در بخش‌هایی از اعتراضات، شعارهای صریح علیه کلیت جمهوری اسلامی و خواست تغییر بنیادین نظام سیاسی شنیده شد.
آبان نشان داد که بحران اقتصادی و بحران مشروعیت سیاسی به یکدیگر پیوند خورده‌اند. مردم دیگر صرفاً خواهان اصلاح یک تصمیم اقتصادی نبودند؛ بلکه در اعتراضات خود، ساختار قدرت، مناسبات نابرابر و محرومیت از حق تعیین سرنوشت و بی حقی عمومی را به چالش می‌کشیدند.
سرکوب خونین؛ پاسخ حکومت به اعتراض و مقاومت مردم پاسخ جمهوری اسلامی به این خیزش، استفاده گسترده از نیروی سرکوب، گلوله، بازداشت و ارعاب بود. نیروهای امنیتی و نظامی در بسیاری از شهرها با استفاده از سلاح گرم و دیگر ابزارهای سرکوب به سوی معترضان و حتی رهگذران شلیک کردند. قطع اینترنت نیز از همان روزهای نخست به ابزار محدود کردن ارتباطات و پنهان کردن ابعاد سرکوب تبدیل شد. ابتدا ارتباطات برخی شهرها مختل شد و سپس خاموشی گسترده اینترنت در سطح کشور به اجرا درآمد.
گزارش‌های عفو بین‌الملل و سازمان ملل از کشته شدن صدها نفر در جریان سرکوب آبان حکایت دارند. عفو بین‌الملل در مستندسازی خود دست‌کم ۳۲۳ جان‌باخته را ثبت کرده است. خبرگزاری ها و رسانه‌ها، از کشته شدن بیش از ۱۵۰۰ نفر و تا چند هزار نفر را مطرح کردند ، ولی مقامات حکومتی هرگز ارقام تکان‌دهنده این کشتار ، و همچنین اسیر و زندانی کردن هزاران نفر تظاهرکننده و معترض را اعلام نکردند. اما گزارشات مستند از شاهدین ، خانواده ها و نهادهای مستقل و مدافع حقوق انسانی ، نشانه های روشنی از کشتار بزرگ ، ناپدیدسازی و شکنجه ها ، محرومیت از وکیل و اعتراف‌گیری های اجباری تحت شکنجه را آشکار کرد.
این سرکوب ها تنها با هدف پراکنده کردن معترضان و پایان دادن به اعتراضات نبود؛ بلکه نابود کردن تلاشهای جمعی مردمی بود که دیگر نمیخواستند به شیوه ی سابق زندگی کنند و این حکومت را نمیخواستند. سرکوب حکومتی دقیقا در همین راستا ،به سیاست قطع گسترده اینترنت و وسایل ارتباط جمعی، ممنوعیت فعالیت رسانه ای و اینترنتی فعالان اجتماعی و مدنی ، دستگیری و تهدید های گسترده آنان روی آورد تا با این ممنوعیت ها، امکان سازمان‌یابی و گسترش همبستگی اجتماعی را از بین ببرد. در همین راستا بود که خانوادهای جان‌باختگان و دستگیر شدگان نیز از فشارهای امنیتی، تهدید و محدودیت در برگزاری مراسم یادبود جان‌باختگان و پیگیری حقیقت در امان نماندند و رنجهای بسیار را متقبل شدند. بااین‌حال، بسیاری از آنان در برابر تحمیل سکوت ایستادگی کردند و به ثبت نام و یاد فرزندان خود و پیگیری دادخواهی ادامه دادند.

خواست‌ها و افق‌های سیاسی و اجتماعی خیزش آبان

آبان را باید در پیوند میان مطالبات معیشتی، آزادی‌های سیاسی و خواست تغییر مناسبات اجتماعی بررسی کرد. مطالبات و شعارهای مطرح‌شده در جریان این خیزش، در بخش‌های مختلف جامعه، بیانگر مجموعه‌ای از خواسته‌ها بود:
پایان دادن به فقر، گرانی، بیکاری و سیاست‌های اقتصادی تحمیل‌کننده فقر بر اکثریت جامعه.
مقابله با فساد ساختاری، رانت‌خواری، غارت منابع عمومی و تمرکز ثروت و قدرت‌برخورداری کارگران و زحمتکشان از دستمزد عادلانه، امنیت شغلی و حق تشکل و اعتصاب مستقل.
آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و پایان دادن به سرکوب فعالان اجتماعی و سیاسی.
آزادی بیان، مطبوعات، تجمع، تشکل و فعالیت مستقل سیاسی و اجتماعی.

پایان دادن به تبعیض جنسیتی، اجبارهای حکومتی و نابرابری حقوقی زنان.
رفع ستم ملی و تأمین حقوق برابر ملیت‌ها، از جمله حق برخورداری از زبان و فرهنگ مادری و مشارکت در تعیین سرنوشت.
برخورداری همگانی از آموزش، بهداشت، مسکن و تأمین اجتماعی.
پاسخگویی مسئولان حکومتی درباره کشتار مردم و پایان دادن به مصونیت آمران و عاملان سرکوب.
حق مردم برای تعیین آزادانه نظام سیاسی و مناسبات اقتصادی و اجتماعی آینده.
بنابراین، مضمون اصلی خیزش را می‌توان در پیوند سه خواست تاریخی خلاصه کرد: نان، آزادی و برابری

دستاوردهای تاریخی و محدودیت‌های خیزش آبان

آبان ۱۳۹۸ به اهداف فوری خود دست نیافت و در نتیجه سرکوب خونین، اعتراضات خیابانی در کوتاهدت متوقف شد. اما این نه فقط به معنای بی‌نتیجه بودن خیزش نبود،بلکه درس و تجربه ی بزرگی را به ثبت رساند.
نخست، آبان تضادهای طبقاتی جامعه را آشکارتر کرد و نشان داد که بخش‌های فرودست جامعه می‌توانند به نیرویی مهم در اعتراضات سیاسی تبدیل شوند.
دوم، پیوند میان مطالبات اقتصادی و خواست تغییر سیاسی را برجسته کرد.
سوم، تجربه سرکوب، قطع اینترنت و کشتار، اهمیت آزادی ارتباطات، حق تشکل مستقل و ضرورت سازمان‌یابی اجتماعی را آشکار ساخت.
چهارم، مقاومت خانوادهای دادخواه و تلاش برای مستندسازی جنایت‌ها، حافظه تاریخی جامعه را تقویت کرد.
پنجم، این خیزش در کنار تجربه دی ۱۳۹۶، به یکی از زمینه‌های تاریخی و تجربی خیزش زن، زندگی، آزادی در سال ۱۴۰۱ تبدیل شد.
در عین حال، ضعف تشکل‌های مستقل سراسری، پراکندگی نیروهای اجتماعی، نبود پیوند سازمان‌یافته و پایدار میان جنبش‌های مختلف و برتری امکانات سرکوب حکومت، را بعنوان محدودیت‌های مهم این خیزش آشکار کرد.
درس تاریخی آبان این است که نارضایتی گسترده اجتماعی به‌تنهایی برای تحقق تغییرات پایدار کافی نیست و مسئله تشکل‌یابی مستقل، همبستگی اجتماعی، مشارکت برابر و حفظ استقلال جنبش‌های مردمی ،اهمیت اساسی برای موفقیت خیزش های اجتماعی دارند.

از آبان ۱۳۹۸ تا زن، زندگی، آزادی در ۱۴۰۱

خیزش انقلابی زن، زندگی، آزادی در سال ۱۴۰۱ را باید در بستر انباشت مبارزات و مقاومت‌های پیشین جامعه ایران بررسی کرد.
پس از جان‌باختن ژینا مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد، اعتراضات گسترده‌ای در سراسر کشور شکل گرفت.
این خیزش با پیشگامی زنان و دختران جوان، مسئله ستم جنسیتی و آزادی‌های فردی و اجتماعی را در مرکز مبارزه قرار داد.
اما مطالبات آن به مسئله حجاب اجباری محدود نماند. آزادی، کرامت انسانی، برابری، نفی استبداد و حق تعیین سرنوشت، در شعارها و مطالبات آن جایگاه برجسته‌ای یافتند.
در این خیزش، دانشجویان، دانش‌آموزان، کارگران، معلمان، هنرمندان، ملیت‌های تحت ستم و بخش‌های مختلف جامعه حضور داشتند.
اگر دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ بیش از هر چیز تضادهای معیشتی و سیاسی را به شکلی آشکار به خیابان آوردند، خیزش ۱۴۰۱ با محوریت زنان، ابعاد عمیق‌تری از ستم جنسیتی و اجتماعی را به چالش کشید.
این سه خیزش را باید حلقه‌های مرتبط در تاریخ معاصر مبارزات مردم ایران دانست؛ نه حرکت‌هایی کاملاً یکسان، بلکه خیزش‌هایی با ویژگی‌های مستقل که تجربه‌های اجتماعی و سیاسی یکدیگر را در حافظه جمعی جامعه به هم پیوند داده‌اند.

دادخواهی؛ دفاع از همه قربانیان استبداد، شکنجه و بی‌عدالتی

دادخواهی نباید تنها به جان‌باختگان آبان محدود بماند. ما دادخواه همه جان‌باختگان خیزش‌های مردمی، قربانیان کشتارهای سیاسی، شکنجه‌شدگان، ناپدیدشدگان قهری و زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم.
همچنین باید صدای زندانیان عادی‌ای باشیم قربانیان نظام غارتگر و ویرانگر اسلامی که در نتیجه فقر، نابرابری، تبعیض، بی‌عدالتی قضایی، احکام ناعادلانه و شرایط غیرانسانی زندان قربانی شده‌اند.
دفاع از حقوق انسانی زندانیان نباید به نوع اتهام، عقیده، طبقه اجتماعی یا موقعیت سیاسی آنان وابسته باشد.
حق برخورداری از وکیل مستقل، دادرسی عادلانه، درمان، امنیت جانی و رفتار انسانی، حقوقی همگانی هستند.
دادخواهی یعنی:
شناسایی و مستندسازی همه جان‌باختگان و قربانیان سرکوب.
روشن شدن حقیقت درباره آمران و عاملان کشتار و شکنجه.
پاسخ‌گویی سیاسی و قضایی مسئولان جنایت‌ها در روندی مستقل و عادلانه.
حمایت از خانواده‌های دادخواه و دفاع از حق آنان برای برگزاری آزادانه مراسم یادبود.
آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و دفاع از حقوق انسانی همه زندانیان.
مخالفت با اعدام، شکنجه، اعتراف‌گیری اجباری و ناپدیدسازی قهری.
مقابله با تحریف تاریخ و انتقال حافظه مبارزاتی به نسل‌های آینده.
دادخواهی نه انتقام‌جویی، بلکه مبارزه برای حقیقت، عدالت، مسئولیت‌پذیری و جلوگیری از تکرار جنایت است.
برای تحقق : نان، آزادی، برابری و حق تعیین سرنوشت.
تجربه مبارزات اجتماعی از دی ۱۳۹۶ تا آبان ۱۳۹۸ و خیزش زن، زندگی، آزادی در ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که جامعه ایران با مجموعه‌ای از تضادهای عمیق اقتصادی، سیاسی، جنسیتی و ملی روبه‌روست.
آزادی سیاسی بدون عدالت اجتماعی و برابری اقتصادی، رهایی کامل جامعه را تضمین نمی‌کند. همچنین تغییر سیاسی بدون مشارکت مستقل و آگاهانه کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان و ملیت‌های تحت ستم، نمی‌تواند پاسخ‌گوی مطالبات تاریخی آنان باشد.
آینده جامعه باید بر حق تعیین سرنوشت مردم، آزادی تشکل و اعتصاب، برابری زنان و مردان، رفع ستم ملی، تأمین اجتماعی همگانی، عدالت اقتصادی و مشارکت آزادانه و برابر همه شهروندان استوار باشد.
این چشم انداز نه با بازگشت به استبداد وابسته و ارتجاعی ستمشاهی و نه با اتکا به مداخله قدرت‌های خارجی، ۱۳۹۸ بلکه در چارچوب تصمیم‌گیری آزادانه مردم و اراده مستقل جامعه قابل بررسی است.. گرامیداشت آبان گرامیداشت انسان‌هایی است که در برابر فقر، تبعیض و محرومیت سکوت نکردند؛ گرامیداشت جوانانی است که جان خود را از دست دادند؛ و ادای احترام به خانوادهایی است که در برابر تهدید و ارعاب، پرچم دادخواهی را برافراشته نگه داشتند. ما صدای بی‌صدایان هستیم؛ دادخواه همه جان‌باختگان، شکنجه‌شدگان، زندانیان سیاسی و عقیدتی و زندانیان عادی قربانی بی‌عدالتی.
آبان ۱۳۹۸؛ خیزش نان، آزادی، برابری و حق تعیین سرنوشتنه بود و فریادی علیه فقر، علیه تبعیض و سرکوب بود. صدایی بلند در راستای «نه به شکنجه، نه به اعدام » و تلاش برای آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی. این درسی بود که ما در کارزار طولانی و مستمر سه شنبه های علیه اعدام میبینیم. بی شک حضور و وجود این کارزار شریف علیه اعدام در بسیاری از زندانهای رژیم اسلامی و حمایت بسیاری از فعالان اجتماعی و مدنی ونهادهای مستقل و بین المللی دفاع از حقوق انسانی از این کارزار ، نشانه ی همان هوشیاری و ایستادگی است که از خیزش هایی نظیر خیزش آبانماه ۹۸ به یادگار گرفته ایم . میبایست باید با این فریاد وارده همصدا شد.